

برنام خدا

آموزش نکته به نکته و مجموعه سوالات طبقه بندی شده حیطه عمومی (جلد ۱) آزمون استخدامی آموزش و پرورش

✓ حیطه عمومی (جلد ۱)

- ۱) معارف اسلامی (طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن و همزمان حسین (ع))
- ۲) اطلاعات عمومی و دانش اجتماعی (خدمات متقابل ایران و اسلام، مروی بر دستاوردهای چهل ساله انقلاب اسلامی ایران، توسعه و مبانی تمدن غرب، وصیت نامه الهی سیاسی حضرت امام خمینی (ره))
- ۳) قوانین و مقررات اداری و قانون اساسی (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، قانون مدیریت خدمات کشوری، قانون رسیدگی به تخلفات اداری و قانون برنامه پنجساله هفتم پیشرفت کشور (فصل ۱۹))
- ۴) توانایی ذهنی و ویژگی های رفتاری
- ۴) آشنایی با تربیت چند ساحتی

عنوان و نام پدیدآور : آموزش نکته به نکته و سوالات طبقه‌بندی شده حیطه عمومی آزمون استخدامی
آموزش و پرورش / پدیدآورنده: گروه طراحان.
مشخصات نشر : تهران : چهارخونه، ۱۴۰۵.
مشخصات ظاهری : ۲۹×۲۲ س.م.
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۵-۲۱۲-۳:
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
موضوع : آزمون‌های استخدامی -- ایران
موضوع : استخدام دولتی -- ایران -- آزمون‌ها
شناسه افزوده : انتشارات چهارخونه
رده بندی کنگره : JQ۱۷۸۶ :
رده بندی دیویی : ۳۵۱/۰۷۶ :
شماره کتابشناسی ملی : ۷۵۰۳۲۴۹ :

آموزش نکته به نکته و مجموعه سوالات طبقه‌بندی شده حیطه عمومی (جلد ۱)

آزمون استخدامی آموزش و پرورش

انتشارات چهارخونه

ناشر:

مجید ذاکر هندوآبادی

گردآوری و تألیف:

ویدا حجابی

ویراستار:

یاسمین یاوری

طراح و صفحه‌آرا:

امیر گرافیک

لیتوگرافی

یگانه

چاپ و صحافی:

فتوحی

ناظر چاپ:

نهم - تابستان ۱۴۰۵

نوبت چاپ:

۵۰۰ جلد

شمارگان:

۱,۲۰۰,۰۰۰ تومان

قیمت:

www.4Khooneh.org

فروشگاه اینترنتی:

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است. و هرگونه نسخه برداری پیگرد قانونی دارد.

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲-۶۲۰۰۰۲۶ - ۶۶۹۲۷۷۹۶ - ۶۶۹۲۸۱۷۱

جهت دریافت کتاب از طریق پست به سایت www.4Khooneh.org مراجعه

نموده و یا با شماره تلفن ۶۶۹۲۸۰۲۹ (۰۲۱) تماس حاصل فرمایید.

مقدمه

با توجه به اینکه در آزمون سال ۱۴۰۴ کلیه منابع سال قبل (غیر از یک مورد) حفظ شده و تعدادی درس جدید به منابع قبلی افزوده شده است، در کتاب حاضر منابع مشابه (حیطه عمومی) با سال قبل بعلاوه منابع جدید منتشر گردید. مباحث یک تا چهار کتاب همگی در محدوده منابع ۱۴۰۴ آزمون برای حیطه عمومی قرار دارند. مبحث پنجم نیز در آزمون پیش رو در فهرست منابع حیطه تخصصی (مشترک برای تمام مشاغل) قرار گرفته است. با توجه به اینکه این مبحث چندین سال در همین کتاب چاپ شده و داوطلبان گرامی بر اساس فهرست بندی این کتاب برنامه ریزی نموده اند یا مطابق با برنامه ریزی هایی که از طریق رسانه های اجتماعی در اختیارشان قرار داده ایم پیش رفته اند، سعی بر این کردیم تا ترکیب مباحث را در کتاب حفظ کنیم.

کتاب حاضر متشکل از دروس حیطه عمومی آزمون استخدامی برای مشاغل آموزش و پرورش می باشد و از آنجا که برخی دروس، خود شامل بر چند منبع مجزا هستند؛ در این کتاب، هر درس را در یک بخش مجزا در نظر گرفته و منابع مختلف هر درس را نیز تحت عنوان یک مبحث آورده ایم. در بین این منابع، دو مورد، یعنی قانون اساسی و توانایی های ذهنی و عمومی جزو منابع آزمون های سال های گذشته (۱۴۰۱ و قبل از آن) بوده اند. به همین خاطر تست های آزمون های سال های قبل از ۱۴۰۱ را همراه با پاسخ تشریحی برای این منابع آورده ایم. در مورد سایر دروس و منابع، که تنها سابقه آزمون استخدامی آنها مربوط به آزمون آموزگار ابتدایی و همچنین آزمون دبیری و هنرآموزی سال ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ بود این تست ها را نیز با پاسخ تشریحی در ابتدای هر فصل ارائه کرده ایم. علاوه بر اینها، تست های تألیفی استاندارد متعددی با پاسخ تشریحی برای تمرین در تمامی فصول قرار داده شده اند.

توفیق داوطلبان عزیز را در آزمون پیش رو از خداوند منان خواستاریم. مجید ذاکر



لینک سوالات عمومی و تخصصی مشترک سال ۱۴۰۴
از طریق QR Code رو به رو

راهنمای کتاب

مبحث اول: طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن

این مبحث برگردان سخنرانی‌های رهبر انقلاب در مشهد مقدس در سال ۱۳۵۳ است. محور اساسی این مبحث «ایمان»، «ویژگی‌های فرد مؤمن» و «نتایج وجود ایمان حقیقی در فرد و اجتماع» است. برای تشریح این موضوعات، تعاریف دیگری نیز بیان شده‌اند که واجد اهمیت هستند. بعلاوه آیات متعددی از قرآن کریم نیز به عنوان شاهد برای شرح مطلب بیان شده است. دانستن مصادیق این آیات در ارتباط با مطالب و موضوعات مطرح شده، از اهمیت بالایی در این مبحث برخوردار است.

مبحث دوم: هم‌زمان حسین (ع)

کتاب هم‌زمان حسین (ع) برگردان سخنرانی‌های رهبر انقلاب در حسینیه انصار الله در سال ۱۳۵۱ است. موضوع اصلی سخنرانی‌ها سیره عملی ائمه اطهار (ع) است و اینکه این پیشوایان دینی پس از قیام عاشورا تلاش وسیعی را در جهت براندازی حکومت ظلم و تشکیل حکومت نبوی سامان داده‌اند. اصطلاح هم‌زمان حسین (ع) اشاره به ائمه معصومین دارد که همگی در یک راستا و مسیر حرکت کرده‌اند و به تعبیری همگی هم‌زمان امام حسین (ع) بوده‌اند. رهبر انقلاب برای پرورش موضوع و تبیین مفاهیم به آیات و احادیث متعددی اشاره می‌نماید و معانی و مفاهیم متعددی را در این راستا توضیح می‌دهند. از جمله این مفاهیم؛ جهاد، تقیه، شیعه حقیقی و... می‌باشد. در مرکز بحث نیز نقش و وظیفه ائمه (ع) پس از پیامبر و چگونگی ادای این وظیفه الهی است.

مبحث سوم: خدمات متقابل ایران و اسلام

مجموعه تحقیقات استاد مطهری در مورد روابط ایرانیان و مسلمانان در قرون اولیه که جنبه تاریخی دارد و حوزه‌های متعددی همچون سیاست، مذهب، اقتصاد، علم و فناوری، نظام اجتماعی و... را پوشش می‌دهد، محور اصلی این مبحث می‌باشد. برای درک بهتر این قسمت، خواننده باید دانش حداقلی از سلسله‌های تاریخی قبل از اسلام و قرون اولیه پس از اسلام در ایران داشته باشد. یعنی باید بدانیم قبل از اسلام، به ترتیب سلسله‌های هخامنشی، اشکانی، سلوکیان (بازماندگان اسکندر) و ساسانی را داشتیم و پس از اسلام در دو قرن اولیه، خلفای اموی و سپس عباسی بر ایران حاکم بودند. پس از آن نیز سامانیان، آل بویه، طاهریان، صفاریان و... بر بخش‌های مختلف ایران، و سپس غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان بر تمام ایران حکومت کردند. تعداد اسامی نیز در این مبحث زیاد است و ممکن است موجب اختلال در درک مفاهیم اصلی و پایه‌ای شود. به همین علت تمرکز خود را بر مبانی و مفاهیم اساسی و پایه‌ای قرار دهید و در مورد اسامی، بر روی آنها که از قبل شناخت دارید و به ویژه شخصیت‌های محوری مانند ائمه اطهار (ع) یا افرادی که تأثیرگذاری عظیمی داشته‌اند مانند فارابی یا ابوریحان بیرونی قرار دهید.

به عنوان راهنمایی کلی، همواره این سوال را در ذهن داشته باشید: «تأثیرات ایران و اسلام بر هم به صورت متقابل چه بوده است؟»

راهنمای کتاب

مبحث چهارم: دستاوردهای انقلاب (صعود چهل ساله)

این مبحث به تحولات و تغییرات در حوزه‌های مختلفی همچون سیاست، اقتصاد، نظام اجتماعی، رشد و توسعه علمی، توان نظامی، عدالت اجتماعی و... در کشورمان پس از انقلاب اسلامی می‌پردازد. برای بررسی این دستاوردها ابتدا لازم است تا وضعیت این حوزه‌ها و شاخصه‌های مرتبطشان را پیش از انقلاب بشناسیم و پس از آن، تغییراتشان را بعد از انقلاب نسبت به قبل بسنجیم. به همین علت، این مبحث شامل اطلاعاتی در مورد شاخصه‌های مختلف مرتبط به دوران پهلوی نیز می‌باشد. در مطالعه این مبحث به تعاریف مختلف در مورد شاخص‌های ارزیابی مانند خط فقر، ضریب جینی، رشد توسعه علمی و... توجه داشته باشید. بعلاوه تغییرات در شاخص‌های عمده اقتصادی، بهداشتی، عدالت اجتماعی و... را نیز بدانید. بویژه به آنهایی که رتبه‌های تک رقیمی و برجسته دارند و به شکلی متمایز از سایر کشورها در جهان یا منطقه قرار می‌گیرند، دقت نمایید.

مبحث پنجم: توسعه و مبانی تمدن غرب

کتاب توسعه و تمدن غرب، مجموعه‌ای از مقالات شهید مرتضی آوینی است که به مباحثی در اطراف مفهوم توسعه در دنیای امروز و دیدگاه اسلام نسبت به آن می‌پردازد. این مقالات به صورت پیوسته جلو می‌روند و مطلب هر یک به مقاله‌ی ماقبل مرتبط است.

مبحث ششم: وصیتنامه الهی سیاسی امام خمینی (ره)

موضوع این مبحث وصیتنامه امام خمینی (ره) می‌باشد. در این وصیتنامه طیف گسترده‌ای از موضوعات مختلف پیرامون وصایای نبی اکرم (ص)، تاریخ پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست بین‌الملل، سیاست داخلی، استعمار شرق و غرب، اهمیت تعلیم و تربیت و ... مطرح شده است.

علاوه بر آن، حضرت امام خطاب به اقشار مختلف مردم و همچنین دستگاه‌های دولتی و مناصب مختلف حکومتی به طور ویژه توصیه‌هایی را مطرح فرموده‌اند. همچنین در متن وصیتنامه، به وقایع و اتفاقات خاص و مشخص نیز اشاره شده است.

مبحث هفتم: قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۸ توسط مجلس خبرگان به تصویب رسید و در همه پرسی ۱۱ و ۱۲ آذر ۱۳۵۸ با رای ۹۸/۲ درصد ملت به تصویب نهایی رسید. در سال ۱۳۶۸ به دستور امام خمینی و توسط رئیس‌جمهور وقت (سید علی خامنه‌ای) اصلاحاتی در قانون اساسی صورت پذیرفت.

در متن کتاب کل ۱۷۷ اصل قانون اساسی بعلاوه اصلاحات سال ۱۳۶۸ آورده شده است و بر اساس اصول قانون اساسی به سوالات آزمون‌های سال‌های گذشته پاسخ داده شده است. (توجه داشته باشید که این بخش نسبت به سال‌های گذشته تغییری نداشته است.

مبحث هشتم: بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

این بیانیه در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران از سوی رهبر معظم انقلاب منتشر شده است. در این بیانیه، به اجمال مسیری که انقلاب طی چهل سال طی نموده، مورد بازنگری و بررسی قرار گرفته و دستاوردها، مشکلات و موانع و اهداف آینده ذکر شده‌اند.

موضوعات مطرح در این بیانیه شامل حوزه‌های متعددی همچون؛ سیاست خارجی، اقتصاد، فرهنگ، علم و فناوری و ... می‌باشد.

راهنمای کتاب

مبحث نهم: قانون مدیریت خدمات کشوری

در این قانون مسائل مرتبط با نظام اداری، سیستم استخدام، عملکرد و دریافت کارکنان دولت تشریح شده است.

مبحث دهم: قانون رسیدگی به تخلفات اداری

در این قانون تخلفات اداری تعریف شده و نحوه رسیدگی به آنها و مراجع مرتبط مشخص شده‌اند.

مبحث یازدهم: قانون برنامه پنجساله هفتم پیشرفت کشور (فصل ۱۹)

قانون برنامه پنجساله هفتم پیشرفت کشور به ابعاد گوناگون از مسائل کشور می‌پردازد. ولی در آزمون استخدامی آموزش و پرورش فقط فصل ۱۹ این قانون که معطوف به ارتقای نظام آموزشی است مد نظر قرار می‌گیرد.

مبحث دوازدهم: انواع هوش و توانایی‌های ذهنی

هیچ یک از ما همه چیز را نمی‌دانیم، بنابراین یکی از معیارهای مهم برای استخدام یک داوطلب، توانایی یادگیری آن چیزهایی است که برای انجام شغل معلمی نیاز دارد ولی الان نمی‌داند. اینجاست که هوش با مفهوم «توانایی یادگیری و قابلیت انطباق با محیط و تفکر انتزاعی» ارزش و اهمیت خود را نمایان می‌سازد. فرد با هوش کسی است که توانایی تفکر مستدل دارد، محیط خود را می‌شناسد و می‌تواند خود را با آن منطبق سازد و با داشتن قدرت تجسم، مسائل را پیشبینی و حل می‌کند.

بسیاری از اندیشمندان، هوش را دارای اجزای مختلف می‌دانند. برای یک معلم، هوش زبانی، منطقی، تحلیلی و ریاضی و تصویری از اهمیت بالایی برخوردار هستند و دقیقاً به همین علت سوالات هوش در آزمون‌های استخدامی آموزش و پرورش نیز بر همین انواع هوش متمرکز هستند. در این مبحث این بخش از مفاهیم هوش تشریح شده و ساختار سوالاتی که برای سنجش آنها در آزمون استخدامی استفاده می‌شود، معرفی شده‌اند و نمونه‌های بسیاری از سوالات سال‌های قبل نیز به صورت تشریحی برای تمرین شما حل شده‌اند.

مبحث سیزدهم: مبانی نظری تحول بنیادین تعلیم و تربیت رسمی

مبحث تعلیم و تربیت اسلامی؛ دیدگاه، تعاریف و راهبرد جمهوری اسلامی در زمینه تعلیم و تربیت رسمی کشور است. در مطالعه این بخش، تعریف تعلیم و تربیت رسمی را به خوبی درک نمایید. چه مبانی‌ای دارد و اساساً ضرورت وجود تعلیم و تربیت رسمی در یک کشور چیست؟ و از چه ویژگی‌هایی برخوردار است؟ تعلیم و تربیت رسمی در تاریخ ایران چه روندی را پیموده است؟ اینها سوالاتی هستند که هنگام مطالعه متن باید در ذهن داشته باشید. بخش دیگری که بسیار مهم است، ساختارهای شش‌گانه تعلیم و تربیت می‌باشد. تعاریف و حوزه‌های این ساختارها، همچنین رویکرد و اصول حاکم بر آنها از نکات کلیدی این مبحث هستند.

فهرست مطالب

حیطه عمومی

معارف اسلامی

مبحث ۱: طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن	۹
فصل ۱: ایمان	۹
فصل ۲: ایمان از روی آگاهی	۱۱
فصل ۳: ایمان زاینده	۱۲
فصل ۴: ایمان و پابندی به تعهدات	۱۳
فصل ۵: نویدها	۱۴
سوالات مبحث یک:	۱۷
پاسخنامه:	۲۳
مبحث ۲: هم‌زمان حسین (ع)	۲۷
فصل ۶: بحث درباره امامت	۲۷
فصل ۷: اهمیت شناخت ائمه (ع)	۲۷
فصل ۸: فلسفه و هدف امامت	۲۹
فصل ۹: انسان ۲۵۰ ساله مبارز	۳۱
فصل ۱۰: دوران‌های چهارگانه امامت	۳۲
فصل ۱۱: برهه آغازین دوره چهارم	۳۴
فصل ۱۲: حیات سیاسی امام صادق (ع)	۳۵
فصل ۱۳: اقدامات حاد ائمه (ع)	۳۶
فصل ۱۴: امامزادگان انقلابی	۳۹
فصل ۱۵: تقیه	۴۰
سوالات مبحث دو:	۴۱
پاسخنامه:	۴۹

اطلاعات عمومی و دانش اجتماعی

مبحث ۳: خدمات متقابل ایران و اسلام	۵۳
فصل ۱۶: اسلام و ملیت	۵۳
فصل ۱۷: خدمات اسلام به ایران	۵۸
فصل ۱۸: خدمات ایران به اسلام	۶۵
سوالات مبحث سه:	۸۲
پاسخنامه:	۹۳
مبحث ۴: دستاوردهای انقلاب (صعود چهل ساله)	۱۰۱
فصل ۱۹: موانع تحقق آرمان‌ها	۱۰۱
فصل ۲۰: اوضاع در دوران پهلوی	۱۰۱
فصل ۲۱: دستاوردهای انقلاب	۱۰۳
سوالات مبحث چهار:	۱۱۰
پاسخنامه:	۱۱۴
مبحث ۵: توسعه و مبانی تمدن غرب	۱۱۶
فصل ۲۲: مقالات شهید آوینی	۱۱۶
سوالات مبحث پنج:	۱۲۶
پاسخنامه:	۱۲۸
مبحث ۶: وصیتنامه الهی سیاسی امام خمینی (ره)	۱۲۹
فصل ۲۳: متن وصیتنامه امام خمینی (ره)	۱۲۹
سوالات مبحث شش:	۱۴۷
پاسخنامه:	۱۵۰

فهرست مطالب

حیطه عمومی

قوانین و مقررات اداری و قانون اساسی

۱۵۳	مبحث ۷: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۱۵۳	فصل ۲۵: اصول قانون اساسی
۱۶۷	سوالات مبحث هفت:
۱۷۳	پاسخنامه:
۱۷۷	مبحث ۸: بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی
۱۷۷	فصل ۲۵: متن بیانیه گام دوم انقلاب
۱۸۴	سوالات مبحث هشت:
۱۸۸	پاسخنامه:
۱۹۱	مبحث ۹: قانون مدیریت خدمات کشوری
۱۹۱	فصل ۲۶: متن قانون
۲۱۴	سوالات مبحث نه:
۲۱۷	پاسخنامه:
۲۱۹	مبحث ۱۰: قانون رسیدگی به تخلفات اداری
۲۱۹	فصل ۲۷: متن قانون
۲۲۵	سوالات مبحث ده:
۲۲۶	پاسخنامه:
۲۲۷	مبحث ۱۱: قانون برنامه پنجساله هفتم پیشرفت کشور (فصل ۱۹)
۲۲۷	فصل ۲۸: ارتقای نظام آموزشی
۲۳۳	سوالات مبحث یازده:
۲۳۴	پاسخنامه:

توانایی‌های ذهنی و ویژگی‌های رفتاری

۲۳۵	مبحث ۱۲: توانایی‌های ذهنی و ویژگی‌های رفتاری
۲۳۵	فصل ۲۹: سنجش هوش
۲۳۶	فصل ۳۰: هوش کلامی - زبانی
۲۴۱	فصل ۳۱: هوش کلامی - منطقی
۲۴۶	فصل ۳۲: هوش کلامی - تحلیلی
۲۵۰	فصل ۳۳: هوش ریاضی - عددی
۲۵۵	فصل ۳۴: هوش ریاضی - هندسه
۲۵۸	فصل ۳۵: هوش تصویری
۲۶۱	سوالات مبحث دوازده:
۲۹۷	پاسخنامه:

آشنایی با تربیت چند ساحتی

۳۱۵	مبحث ۱۳: مبانی نظری تحول بنیادین تعلیم و تربیت رسمی
۳۱۵	فصل ۳۶: مقدمه و مبانی اساسی
۳۲۲	فصل ۳۷: تبیین چیستی
۳۳۶	فصل ۳۸: تبیین چرایی
۳۴۰	فصل ۳۹: تبیین چگونگی
۳۶۲	سوالات مبحث دوازده:
۳۸۰	پاسخنامه:



متقی کیست؟

رهبانیون مسیحی، برای اینکه دامانشان به گناهان آلوده نشود، رهبانیت پیشه کردند و به غارها و بیغوله‌ها پناه بردند. خداوند در مورد رهبانیون مسیحی در قرآن می‌فرماید: «وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ» رهبانیتی که آنان از خود درآوردند، به صورت بدعتی آن را ایجاد کردند؛ ما بر آنان رهبانیتی را ننوشتیم.

عالم اسلامی رهبانیت ندارد. یک فرد آگاه مسلمان، هر انسان مسلمان - که مسلمان بودن و مسئول بودن با یکدیگر لازم و ملزوم هستند - همین‌جور است؛ سعی می‌کند غریق راه، وبازده راه، بیمار راه، نجات بدهد. او خودش را متقی می‌کند. زره لازم را می‌پوشد و وارد منطقه گناه می‌شود تا از گناه‌کاران دستگیری کند. با این معنا، تقوی وسیله پیروزی است.

رحم خدا به چه کسی تعلق می‌گیرد؟

«وَاطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» اطاعت از پیامبر را در کنار اطاعت از خدا آورده است تا اطاعت پیامبر را مصداق اطاعت از خدا بیان کند، وگرنه هر کسی می‌تواند ادعای اطاعت از خدا را داشته باشد. رحم خدا نیز در اینجا به ملتی تعلق می‌گیرد که عمل کرده‌اند و اطاعت کرده‌اند، نه کسانی که منطقه ممنوعه خدا را زیر پا گذاشته‌اند. اطاعت خدا نیز یعنی؛ به تمام تکالیف عمل کنیم و حجت‌های الهی را بر دشمنان حمل کنیم؛ آنچه را که به عهده ما نهاده شده است، انجام دهیم.

«ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَزَاجًا مِمَّا قُضِيَتْ» دستوری که تو صادر کردی، کمترین کدورتی بر روح و دل آنها بر جای نمی‌گذارد، «وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» تسلیم فرمان تو هستند. اگر ملتی این جور بود و تحت فرمان خدا قرار گرفت، به آقایی می‌رسد و رحمت خدا شامل حال او می‌شود.

غفران چیست؟

«وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ» سبقت بگیرید به سوی مغفرتی از سوی پروردگارتان. دین می‌گوید سرعت بگیر و مسابقه بده به سوی مغفرت پروردگار، بهشت برین. زمین و آسمان برای تو کوچک است، از همه چیز بالاتر مغفرت است.

مغفرت الهی این نیست که فرد ظلمی، جنایتی، گناهی کرده خدا در روز قیامت به خاطر قطره اشکی یا توجه و توسلی او را ببخشد. غفران یعنی، التیام و پرکردن یک خلأ. غفران یعنی پُر کردن جراحت و التیام بخشیدن به آن. هر گناهی، ضربتی بر روح وارد می‌کند. گناه، ضربتی است که روح را از تعالی باز می‌دارد. گناه شکافی در پیکره روان وارد می‌کند، روح را زخمی می‌کند، از کمال که غایت الآمال است، دور می‌کند، این گناه حالا باید مغفرت پیدا کند.

غفران یعنی، زخم روان و نقیصه‌ای که در نفس بوجود آمده برطرف شود. آن وقتی این عقب‌ماندگی جبران می‌شود که یک مقداری بالا برود.

مغفرت این نیست که خدای متعال بی حساب، از روی دلبخواه، یک کسی را مورد لطف بی جایی قرار بدهد، بدون اینکه خود او کوششی در راه این لطف الهی کرده باشد. «وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ» سرعت بگیرید به سوی مغفرتی از پروردگارتان، «وَجَنَّةٍ» و بهشتی، «عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ» که پهنا و گستردگی آن به قدر آسمان‌ها و زمین است، «أَعَدَّتْ» آماده شده است، «لِلْمُتَّقِينَ» برای متقیان.

خداوند لجباز نیست، غفار است. «وَإِنِّي لَغَفَّارٌ» اما برای چه کسی؟ «لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى» من بخشنده‌ام برای آنکه توبه کند. یعنی برگردد. پس حاضریم شما را ببخشیم؛ وقتی که مجدداً به راه درست برگردید.

با تقوی کیست؟

با تقوایان چه کسانی هستند؟ «الَّذِينَ يَنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ» آن کسانی که انفاق می‌کنند در خوشی و ناخوشی. انفاق یک شرط با تقوا بودن است. انفاق با خرج کردن فرق دارد. انفاق خرج کردن است که با آن خلأ ای پر بشود، نیاز راستینی برآورده شود. انفاق کار مردمان باهوش است، آنهایی که خلأها و نیازها را می‌فهمند و حاضرند آنها را پر کنند.

«وَالْكَافِرِينَ الْغَيْظُ» و فروبرندگان خشم. یعنی بر اساس احساسات کار نمی‌کند، همه جا عقل. قرآن نمی‌گوید، خشم را فروبخورید، می‌گوید بر اساس خشم کاری انجام ندهید. وقتی خشم فرونشست، انسان می‌تواند با عقل، با درک، آنچه را که شایسته است انجام بدهد.

«وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ» گذرندگان از مردم، عفوکنندگان از خطاهای مردم. از لغزش‌های مردم باید گذشت، از آن گناهی نباید صرف نظر کرد که لغزش نبوده است. از عملی نباید گذشت که از روی تعمد و عناد انجام گرفته است. «وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»

﴿وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ﴾ آن کسانی که چون گناه بزرگی انجام دهند، یا بر خویشتن ستم کنند، فوراً به یاد خدا بیافتند. با تقوی کسی است که در وادی غفلت دیر نپاید. یاد خدا حربه‌ای است در دست ما علیه شیطان.

﴿وَلَمْ يَصِرُوا عَلَى مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ بر آنچه که می‌دانند گناه است، اصراری نورزند. ﴿أَوَلَيْكَ جَزَاؤُهُمْ مَغْفِرَةً مِنْ رَبِّهِمْ﴾ این چنین کسانی که از تلاش و کوشش باز نمی‌ایستند، استغفار می‌کنند برای گناهان، اصرار نمی‌ورزند در راه خطا و خلاف؛ این چنین آدم‌هایی پاداششان مغفرت از سوی پروردگار است.

انفال چیست؟

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ﴾ از تو می‌پرسند - ای پیامبر - در مورد انفال، پرسش می‌کنند که انفال برای کیست و حق کیست. انفال، یعنی ثروت‌هایی که به عموم مسلمانان متعلق است. مانند؛ درآمد مسلمانان از جنگ، معادن، جنگل‌ها، دشت‌ها و مراتع، به طور خلاصه، ثروت‌هایی که متعلق به یک فرد خاص یا به یک جمع خاص نیست و از آن تمامی ملت است.

وقتی در جنگ بدر، مسلمانان بحث کردند که غنایم از آن کیست، آیه قرآن پاسخ داد؛ ﴿قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ﴾ انفال از آن خدا و از آن پیامبر است. مال خداست، یعنی متعلق به عده معینی از بندگان خدا نیست بلکه باید صرف چیزی بشود که از اهداف الهی است. پس آنچه مال خداست، در حقیقت مال بندگان خداست و باید در راه مصالحی که خدای متعال معین کرده است، صرف و خرج بشود.

پس «وَالرَّسُولُ» به چه معناست؟ رسول خدا در اینجا به عنوان رسالت و نبوت مطرح نیست، به عنوان حکومت الهی مطرح است. یعنی وقتی که رسول از دنیا رفت، امام همه کاره انفال است. امام یعنی حاکم الهی. بنابراین در روزگاری که امام معصوم بر مردم حکومت نمی‌کند، آن کسی که از جانب خدا می‌تواند و می‌باید بر مردم حکومت کند، همه کاره انفال است. به هر صورت، انفال در اختیار یک قدرتمند الهی یا همان حاکم اسلامی است. او در زمان وجود پیغمبر، رسول الله، پس از او امام معصوم است، اگر امام معصوم نباشد، امام عادل الهی؛ آن کسی که زمام حکومت اسلامی باید دست او باشد، و مسلط به انفال است.

عمل مومن

پس از آنکه مصرف انفال را معین نمود، می‌فرماید: ﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ اگر مومن هستید، این سه کار را انجام دهید: تقوای خدا پیشه کنید، میان خود را اصلاح کنید و فرمان ببرید خدا را و پیامبرش را. مسئله ایمان به همین خلاصه نمی‌شود که در قلب، انسان این گروش و گرایش و گرویدگی را داشته باشد.

آن وقتی ایمان به صورت راستین در فرد وجود دارد که به لوازم و تعهدات ایمان پایبند باشد. خدا در مورد مال، جان و عمر انسان، در مورد روابطش با خدا و سایرین وظایفی معین کرده است، اگر از خدا اطاعت کنید، مومنین.

خصایص مومن

خداوند برای مومن پنج خصیصه معرفی کرده است. ﴿أَنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِذَا دُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ﴾ چون یاد شود خدا، به بیم آید دل‌هایشان. این دهشت و بیمناکی، ناشی از احساس عظمت او و احساس حقارت خویشتن در مقابل اوست. این چنین انسانی سعی می‌کند جز از آن خط سیر مستقیمی که خدای عالم برای او معین کرده، از راه دیگری سیر نکند.

﴿وَإِذَا تَلَّيْت عَلَيْهِمْ آيَاتَهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا﴾ نشانه دیگر مومن این است که وقتی آیات خدا بر او خوانده شوند، ایمانشان افزون می‌گردد. با تلاوت قرآن ایمان مومن باید زیاد شود. پس قرآن را باید ترجمه، معنا و تفسیر کرد تا با خواندن آن ایمان‌مان زیاد بشود.

﴿وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾ نشانه دیگر این است که مومن بر پروردگار خود توکل می‌کند. توکل یعنی در همه حال اتکاء و امیدت به خدا باشد. وقتی همه درها بسته می‌شود، برای انسان با خدا در دیگری در بن‌بست‌ها باز می‌شود؛ در توکل به خدا. در جنگ اُحُد، وقتی دو گروه از دو طرف به مسلمانان حمله کردند، وقتی گفتند پیامبر کشته شده است، عده‌ای بی توکل فرار کردند، ولی علی (ع) ایستاد، این یعنی توکل. دو بال نیرومند برای پرواز انسان در زندگی، یکی صبر است، یکی توکل. هر امتی این دو بال را داشته باشد از تیررس دشمن‌های خاکی به دور خواهد ماند.

چهارمین ویژگی مومن ﴿الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ﴾ آنها که به پا می‌دارند نماز را. ﴿يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ﴾ از نماز گذاردن تنها، بالاتر است. یک معنا این است که نماز را به صورت کامل انجام بدهد. آدمی که نماز خوب می‌خواند، همه مشکلات برایش آسان است. پیامبر در هنگام بحران‌ها به بلال می‌گفت: ﴿إِرْحَنِي يَا بَلَالُ﴾ ما را آسوده کن، برو اذان بگو. معنی دیگر این است که در جامعه به پا دارند و جامعه را نمازخوان کنند. هر کسی که نماز خوب بخواند ولی به دیگران کاری نداشته باشد، کامل نیست. جامعه نمازخوان یعنی آن جامعه‌ای که هر روز از سردمداران فساد، یعنی «مَغْضُوبٌ عَلَيْهِ» و از دنباله‌روان فساد، یعنی از «ضَالِّين» تبری می‌جوید. نماز اینهاست.

﴿وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ نشانه دیگر مومن این است که از آنچه به آنان روزی کرده‌ایم انفاق می‌کنند. اسم مال در آن نیست، فرق نمی‌کند، از عمر، فرزند، آبرو و توان جسمی، زبان، فکر و مغز و همه امکاناتی که دادیم، انفاق می‌کنند. بعلاوه هر خرج کردنی هم انفاق نیست. انفاق باید خلئی را پر کند، دردی را درمان کند، نیازی از این جامعه مستمند را برطرف کند. آنچه که مایه مومن بودن و شرط و نشانه ایمان است، انفاق است.

﴿وَلَيْكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا﴾ اینان مومنان راستین هستند، غفران از آن اینهاست.

فصل ۲: ایمان از روی آگاهی



حقایقی در مورد ایمان

اولاً ایمان خصلت برجسته پیامبران خدا و مومنان و دنباله‌روان آنهاست. فرق میان رهبران الهی و رهبران سیاستمدار جهانی در ایمان است. مثلاً وقتی رهبران بی‌دین شوروی به هندوستان (پس از استقلالش) سفر کردند، نقش تیلاک که یک رهبر مذهبی و آزادیخواه هندو بود را بر پیشانی زدند. یعنی به چیزی تظاهر کردند که به آن ایمان نداشتند. ولی رهبران الهی، همواره همچون پیشاهنگان یک راه، پرچم بدست مشغول حرکت بوده‌اند و از همه جلوتر خودشان بودند. ایمان از خصوصیات پیامبران خدا است و یعنی باور، قبول و پذیرش با تمام وجود، باور به آنچه می‌گوید. نشانه باور داشتن این است خود پیشاپیش حرکت کند. قرآن می‌فرماید؛ پیامبر به آنچه از پروردگار به سوی او نازل شده ایمان آورده است و مومنانش، همگی به خدا و ملائکه و کتب آسمانی و رسولانش ایمان آوردند. پیامبران همگی ساربانان یک قافله‌اند و به سوی یک مقصد پیش می‌تازیده‌اند.

جاذبه ایمان

﴿وَقَالُوا سَمِعْنَا وَآمَنَّا﴾ شنیدیم، فهمیدیم، نیوشیدیم. ﴿سَمِعْنَا﴾ یعنی ما با تمام وجود فهمیدیم. ﴿وَأَطَعْنَا﴾ یعنی ما از روی روشنی و آگاهی و سمع اطاعت کردیم. ﴿غُفِرَ لَكَ رَبَّنَا﴾ پاداشی که از تو می‌خواهیم خدایا، مغفرت توست و نه چیز دیگر. ایمان یعنی باور، به وضوح مطلب را پذیرفتن و قبول کردن، یعنی دنبال یک جاذبه حرکت کردن. اگر این جاذبه در مکتب دین و قرآن دل تو را تسخیر نکرده باشد؛ یعنی اگر ایمان در این دل نباشد، این دل مرده است و به نور اسلام زنده نیست.

ایمان آگاهانه

ایمان دو جور است. یا ایمانی است از روی تقلید و تعصب؛ یعنی چون پدران ما باور داشتند، ما هم باور کردیم. یا اینکه از روی تعصب است. تعصب یعنی جانب‌داری بدون دلیل و از روی احساسات. این افراد چون کاری را مسلمانان انجام می‌دهند، درست و کاری که ادیان دیگر انجام می‌دهند، غلط، می‌شمرند ولی دلیل و منطقی ندارند.

ایمانی که در اسلام ارزش دارد، مقلدانه و متعصبانه نیست. یک دلیلش اینکه، ایمانی که از روی تقلید یا تعصب باشد، به آسانی زایل می‌شود. (رهبر انقلاب در این جلسه (۱۳۵۳) ایمان نسل جوان را مایه امیدواری دانسته‌اند ولی نسل قبل از جوان را دارای ایمان‌های کور دانسته که از روی منطق نیست).

اگر بخواهیم ایمان‌ها استوار باشد، اگر بخواهیم ایمان‌ها زائل نشود، ایمان آگاهانه باشد، باید دائماً آگاهی بدهیم به آن کسانی که می‌خواهیم مومن باشند.

این آیات از آخر سوره آل عمران ایمان آگاهانه را به ما معرفی می‌کند: ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَخِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ﴾ در آفرینش آسمان‌ها و زمین، آمد و رفت شب و روز همانا نشانه‌هایی است، برای خردمندان. خردمند یعنی دارای نیروی فهمیدن و او همه مردمند، در صورتیکه فکر و هوششان را به کار ببندازند. از نظر قرآن، خردمند، ﴿أُولِي الْأَلْبَابِ﴾ آن کسی است که این عالی‌ترین ارزش‌ها را بیش از همه چیز و همه کس مورد نظر داشته باشد. آن کسانی خردمند هستند که در همه حال به یاد خدایند. ﴿وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ و می‌اندیشند در آفرینش آسمان و زمین، در حال تفکرند. و می‌گویند پروردگارا این را بیهوده نیافریده‌ای. این مهم‌ترین و اساسی‌ترین نقطه یک ایدئولوژی است. نقطه اساسی هر ایدئولوژی زندگی‌ساز این است که من اینجا برای کاری هستم. اساسی‌ترین نقاط یک فلسفه فکری که الهام بخش یک زندگی فردی و اجتماعی بشود همین است: ﴿رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾. الهی این زمین و آسمان را بیهوده نیافریدی. ﴿سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ تو منزهی، پس ما را از شکنجه آتش محفوظ بدار.

اولی الالباب یا خردمند کیست؟

به اینجا می‌رسد که ﴿إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا﴾ ما شنیده‌ایم و فهمیدیم، منادی را که برای ایمان ندا می‌کرد، می‌گفت به پروردگارتان ایمان بیاورید، آن وقت ما ایمان آوردیم. اینها همان اولی‌الباب هستند. منادی، به ظاهر پیامبر و در باطن، پیامبر عقل و تفکر و بینش

آنهاست. پس از روی درک، بینش، شعور و با آگاهی کامل ایمان آوردند. اینجور ایمان مطلوب اسلام است.

مطلب سوم اینکه، خدای متعال ایمان ناآگاهانه را قبول ندارد و ارزشی برایش قائل نیست، چندین جای قرآن، این چنین ایمان کورکورانه متعصبانه مقلدانه، (که غالباً هم آدم را با مغز به زمین می‌کوبد) را به شدت توبیخ می‌کند. ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ﴾ چون به آنان (کافران و مرتجعان) گفته می‌شود که به سوی آنچه فرستاده شده و به سوی پیامبر بیاوید. به جای اینکه بیایند و فکر کنند، در جواب می‌گویند: ﴿قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا﴾ راه و رسمی که پدران خود را بر آن یافتیم، ما را بس. ما به دنبال این حرف‌های تازه نمی‌رویم. همه جا پیغمبر، روشنفکر زمان است، حرف نو دارد، اما کافران و مخالفان، متعصبان و مقلدان و متحجران و مرتجعانی هستند که راه نوی او را نمی‌پسندند.

قرآن پاسخ می‌دهد: ﴿أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ﴾ ولو پدرهایتان هیچ چیز نمی‌فهمیدند، باز هم شما از آنها تقلید می‌کنید؟ ببینید قرآن اینجا چه جور تقلید را شماتت می‌کند.

فصل ۳: ایمان زاینده



ایمان بر طبق قرآن صرفاً یک امر قلبی نیست. قرآن هر باوری را به رسمیت نمی‌شناسد. اولین مومن به خدا شیطان است. ایمان شیطان در زمان انتخاب به کارش نیامد، ایمانش در همان دل ماند. ایمانی که در دل می‌ماند (حتی اگر نبوسد) و به اعضا و جوارح نمی‌آید، در فرهنگ قرآنی ارزشمند نیست.

ایمان زاینده، مثل سرچشمه‌ای فیاض عمل می‌زاید، همراه با تعهد، باری بر دوش مومن می‌گذارد و همراهش عمل است.

در قرآن ده‌ها مورد ایمان همراه با عمل صالح آمده است. جایی قرآن می‌گوید: ﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ سست نشوید، غمگین نشوید، اگر مومن باشید از همه برترید. بعد در واقعیت می‌بینید مومنین به قرآن از همه برتر نیستند، بلکه جورکش همه هستند. وعده الهی حق است، اما قرآن ایمان را با عمل و تعهد همراه می‌داند. اگر فقط به تصدیق و پذیرش کلمه ایمان بود، اول مومن به پیغمبر ابولهب یا ولید بن مغیره مخزومی بود. آن هوشمندان عرب همان اول فهمیدند که پیامبر دروغ نمی‌گوید. آنها تصدیق می‌کردند که سخن پیامبر، کلام بشر نیست، ولی تصدیقشان با تعهد مناسبی همراه نبود. عمروعاص نیز می‌دانست علی (ع) بر حق است، ولی تعهدی به علی (ع) نداشت، به این خاطر شیعه نیست.

فرار از تعهد ایمانی

ولی انسان به دنبال راحت‌طلبی است، می‌خواهد راه آسان‌تر را برود. آن راه را توجیه می‌کند، برای رسیدن به بهشت با تنبلی فرمول درست می‌کند و پایش می‌ایستد. درحالی‌که امام علی (ع) می‌گوید؛ شفاعت ما نمی‌رسد مگر به جدّ و جهد. قرن‌ها روی مغز مسلمانان کار شده که مومن بودن دل پاک لازم دارد، و نه عمل پاک. راحت‌طلبی‌های ما هم به این دست‌های مزدور کمک کرده است. از بعد از پیامبر این فکرها ترویج شد. می‌گویند معاویه وصیت کرده تا یکی دو بسته کوچک حاوی تکه لباس پیامبر و مو و ناخن پیامبر را در کفنش بگذارند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ﴿إِرْكَعُوا وَسُجُّدُوا﴾ رکوع و سجود کنید، در مقابل خدا خضوع کنید، ﴿وَعَبُدُوا رَبَّكُمْ﴾ عبودیت کنید و عبادت پروردگارتان را، ﴿وَفَعَلُوا الْخَيْرَ﴾ نیکی به جای آورید، ﴿لَعَلَّكُمْ تَفْلَحُونَ﴾ مگر موفق گردید، رستگار شوید.

﴿وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ﴾ آنچنان که شایسته جهاد است، در راه خدا مجاهدت کنید. آن تلاشی که برای و در راه خدا باید انجام بگیرد، بایستی به نسبت عظمت خود خدا باشد.

شرط دوستی خدا

﴿وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ﴾ اوست که شما را برگزیده است ای ملت اسلام! آیا این یعنی مسلمانان، تافته جدا بافته هستند و هر گناهی هم کردند، بهشت مال اینهاست؟ این اشتباه یهودی‌ها هم بود. قرآن در مقابل یهودی‌ها فرمود؛ این همه دوستی، در گرو این است که به فرمان خدا عمل کنید. خدا امت اسلام را انتخاب کرد، قبل از اسلام نیز بنی اسرائیل را انتخاب کرده بود، هر دو انتخاب، به معنی انتخاب آماده‌ترین فرد است برای بزرگترین کار.

این مسئولیت را چرا به شما داده؟ ﴿لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ﴾ تا پیامبر بر شما گواه و مراقب باشد، ﴿وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ﴾ و شما بر مردمان و بر بشریت و بر خلق‌ها و توده‌ها مراقب و نگهبان باشید. ﴿فَاقِيمُوا الصَّلَاةَ﴾ پس به پا دارید نماز را ﴿وَأَتُوا الزَّكَاةَ﴾ و بدهید زکات را. ﴿وَاتَّصِمُوا بِاللَّهِ﴾ و متوسل شوید به خدا و آیین خدایی. ﴿هُوَ مَوْلَاكُمْ﴾ خدا سرپرست و نگهبان شماست. در این آیه، تعهدات ایمانی